ایران Iran Newspaper
چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۹۰۵۱
irannewspaper irannewspapper

مستطیل سبز

کپ‌ورد ترمز ماتادورها را کشید

اسپانیا؛ بدون کلید

اسپانیا در این بازی بیش از آن‌که یک تیم مدعی باشد، شبیه یک پروژه نیمه‌کاره بود؛ مالکیت توپ بالا اما بدون عمق، گردش پاس فراوان اما بی‌اثر در یک‌سوم نهایی. آمارها فریبنده‌اند؛ برتری در مالکیت و تعداد پاس، اما تنها چند موقعیت جدی روی دروازه نشانه‌ای واضح از فقدان «کیفیت در تصمیم‌آخر» نیمه دنی اولمو باعث شد خط بین هافبک و حمله قطع شود و استفاده از گاوی در پستی ناآشنا، ریتم طبیعی بازی را مختل کرد. یامال و نیکو ویلیامز بار حمله را به دوش کشیدند، اما مقابل بلوک فشرده کیپ‌ورد، حرکات‌شان به بن‌بست خورد. اسپانیا غرض داشت، اما عمق نه.

در سوی دیگر، کیپ‌ورد با سازمان دفاعی کم‌نقص و انتقال‌های سریع، بازی را کنترل کرد. وودینیو با ۷ مهار (۶ سیو از داخل محوطه)، نه‌فقط یک دروازه‌بان، بلکه یک دیوار روانی بود؛ هر واکنش او، ضربه‌ای به تعادید نفس لاروخا.

مسأله اصلی اسپانیا «خلق موقعیت» است، نه «حفظ توپ». تیم دلاقوئنته هنوز راهی برای شکستن دفاع‌های متراکم پیدا نکرده؛ همان مشکلی که مقابل تیم‌های آفریقایی تکرار می‌شود. این تساوی، یک تصادف نبود؛ یک الگوی نگران‌کننده بود.

قرار شباطبین سرخ از جنگ فراعنه

مصر، برنده پنهان

بلژیک در این بازی بیشتر از آن‌که یک مدعی منسجم باشد، شبیه تیمی بود که بین دو ایده تاکتیکی گیر کرده؛ نه پرسینگ فشار بالا، نه دفاع عمیق و کردن پاس در فاز تهاجمی به انسجام رسید. آمار مالکیت به سود شباطبین سرخ بود، اما «مالکیت بی‌تهدید»—تعداد شوت‌هایی در چارچوب پایین و خلق موقعیت محدود، نشان داد که جریان بازی در اختیار مصر است، نه توپ.

حمله‌های مصر بر اساس فشرده و صف‌های برق‌آسا، دقیقاً نقطه ضعف بلژیک را هدف گرفت؛ فاصله بین خط‌وط. امام عاشور با دوندگی و زمان‌بندی دقیق ورود به فضا، هم در فاز دفاعی برتری عددی ساخت و هم در حمله ضربه نهایی را زد. گل او حاصل یک الگوی تکرارشونده بود؛ توپ کریدی، انتقال سریع و ضربه در فضای نیمه‌خالی. کنالر در نقش حلقه اتصال هجومی محو شد؛ لمس‌های کم و تأثیر حداقلی.

بلژیک در نیمه‌های میانه میدان و توپ‌های برگشتی عقب ماند و بازی بیشتر در دست‌رفتن و دفاعی بازی. این تساوی برای مصر یک پیروزی تاکتیکی بود؛ برای بلژیک، یک هشدار جدی پیش از تقابل با ایران.

عربستان به ساده‌گی باج نمی‌دهد

اروگوئه یک تیم بی‌خطر

عربستان در این مسابقه، بازی را نه با مالکیت، بلکه با کنترل فضا و مدیریت کند تا به یک امتیاز از این بازی دست پیدا کند. ساختار دفاعی فشرده در یک بلوک میانی-پایین، خطوط پاس اروگوئه را بست و آنها را به بازی عرضی وادار کرد. آمار به سود اروگوئه بود؛ مالکیت بالاتر و توانایی پاس بیشتر، اما تا دقایق پایانی، تعداد پاس‌ها از ۲۰۰ برابر نمی‌شد و حمله‌ها بازتابی بودند. نتیجه‌ی این محدودیت‌ها در همزمانی تیم ملی فوتبال ایران در مدیریت ساختار، خلق موقعیت و کنترل لحظات کلیدی تبدیل شد.

ایران با یک بازیکن کمتر در بیشتر دقایق، توانست بدون از دست دادن ساختار، بازی را به جریان بیاندازد و در دوران دوازده، امام همیشه علیرغم اینرانوند نقطه اتکای خوبی بود. در خط دفاع، رامین رضاییان در سمت راست با دادن تهاجمی‌اش نقش یک فول‌بک کاملاً پیش‌رو را ایفا کرد و بارها به خط حمله اضافه شد. در سمت مقابل، میلاد محمدی با تجربه حضور در توزیع موثر و پرانرژی، بار دفاع در راس این لوزی، پشت دو مهاجم، سامان قدوس قرار گرفت؛ مغز متفکر تیم در فاز بازسازی و بازگشت‌پذیر توپ هافبک خلاق ایران که مأموریت داشت بین خطوط ارتباط برقرار کند و جریان حمله را شکل دهد.

در خط حمله، نیروتو مهدی طارمی و شهریار مغانلو، ترکیبی از هوش، تجربه و قدرت فیزیکی را به نمایش گذاشتند؛ دو مهاجمی که قرار بود هم در فشار اولیه و هم در تمام‌کنندگی نقش اصلی را ایفا کنند.

و با وجود این چنین هجومی، حمل توپ خود به عنوان مهره انتقالی عمل می‌کرد و در سمت چپ، آریا تهاجمی‌اش نقش یک فول‌بک کاملاً پیش‌رو را ایفا کرد و بارها به خط حمله اضافه شد. در سمت مقابل، میلاد محمدی با تجربه حضور در توزیع موثر و پرانرژی، توان نسبی را در جناح چپ حفظ کرد. قلب دفاع تیم به زوج شجاع خلیل‌زاده و علی نعمتی سپرده شد؛ ترکیبی از تجربه و آمادگی، بویژه در مرور نعمتی که در این مقطع یکی از آماده‌ترین مدافعان میانی ایران در بهار می‌رود.

در ساختار ۲۰۴-۲ لوزی، سعید عزت‌الله‌ی نقش هافبک دفاعی و حضور متعادل تیم را برعهده داشت؛ بازیکنی که وظیفه‌اش پوشش فضای جلوی مدافعان و قطع روند حملات حریف بود. در سمت راست خط میانی، محمد محبی با تحرک و توان ثبات تیم بود. در خط دفاع، رامین رضاییان در سمت راست با دادن تهاجمی‌اش نقش یک فول‌بک کاملاً پیش‌رو را ایفا کرد و بارها به خط حمله اضافه شد. در سمت مقابل، میلاد محمدی با تجربه حضور در توزیع موثر و پرانرژی، توان نسبی را در جناح چپ حفظ کرد. قلب دفاع تیم به زوج شجاع خلیل‌زاده و علی نعمتی سپرده شد؛ ترکیبی از تجربه و آمادگی، بویژه در مرور نعمتی که در این مقطع یکی از آماده‌ترین مدافعان میانی ایران در بهار می‌رود.

در ساختار ۲۰۴-۲ لوزی، سعید عزت‌الله‌ی نقش هافبک دفاعی و تعادل‌بخشی را برعهده داشت؛ بازیکنی که وظیفه‌اش پوشش فضای جلوی مدافعان و قطع روند حملات حریف بود. در سمت راست خط میانی، محمد محبی با تحرک و توان

سپا حسینی/ تساوی ۲-۲ ایران برابر نیوزلند در اولین دیدار مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶، در حالی رقم خورد که پیروزی در دقایق پایانی نیمه‌خالی، کنالر در نقش حلقه اتصال هجومی محو شد؛ لمس‌های کم و تأثیر حداقلی، حمله و تسلط بر توپ را از دست دادن بی‌دلیل و بی‌ثمر می‌کرد. در مقابل، ورود لوکاکو شبیه «تنفس مصنوعی» بود؛ حضور فیزیکی و بازی پشت به دروازه، کمی کار همه‌ی ابجاد کرد.

بلژیک در نیمه‌های میانه میدان و توپ‌های برگشتی عقب ماند و بازی بیشتر در دست‌رفتن و دفاعی بازی. این تساوی برای مصر یک پیروزی تاکتیکی بود؛ برای بلژیک، یک هشدار جدی پیش از تقابل با ایران.

«ایران» اولین بازی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال را بررسی می کند

یوزها همچنان در تعقیب رویای صعود

رامین و یک شب خاص در جام جهانی

وقتی سن، عدد نیست

مهری رنجبر/ جلال چراغپور، مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران، در گفت‌وگو با «ایران» به تحلیل دیدار اول تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ مقابل نیوزلند پرداخت. او با بررسی ابعاد فنی و استراتژیک این مسابقه، تأکید کرد که نتیجه تساوی در این دیدار، لزوماً برای ایران یک نتیجه منفی محسوب نمی‌شود، اما ضعف‌های ساختاری تیم را آشکار کرده است.

به گفته چراغپور، نخست باید به منطق جدول و شرایط رقابت‌ها نگاه کرد؛ در نگاه استراتژیک، اتفاقاتی که در بازی‌های دیگر مثل بلژیک و مصر رخ داد، تا حدی از ابعاد یک وضعیت نامطلوب برای فوتبال جلوگیری کرد. اگر آن بازی‌ها به نتیجه‌ای غیراز تساوی می‌رسید، شرایط برای ما سخت‌تر می‌شد. بنابراین از نظرجدولی، این تساوی لزوماً به ضرر ایران تمام نشد و حتی تا حدی از تشدید فشار جلوگیری کرد.»

این کارشناس فوتبال سطح فنی دیدار ایران و نیوزلند را چندان مطلوب ارزیابی نکرد و توضیح داد: «نه ایران در حد و اندازه یک تیم کاملاً آماده جام جهانی ظاهر شد و نه نیوزلند. کیفیت کلی بازی از نظر رتبه، چگالی و وزن تاکتیکی در سطح بالای مسابقات نبود. حتی در بازی‌هایی مانند کیپ‌ورد مقابل اسپانیا، می‌توان نشانه‌هایی از استانداردهای بالاتر فوتبال مدرن را دید، اما این دیدار چنین کیفیتی نداشت.»

او یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف تیم ملی را بار دیگر در ساختار دفاعی دانست: «مشکلی که به اعتقاد او سابقه‌دار است و در این مسابقه نیز خود را نشان داده است. چراغ‌پور توضیح داد: «تیم‌ها برای بستن فضای بین دو مدافع مرکزی، مدیریتی و محافظه‌کارانه قرار می‌گیرند، اما رضاییان هنوز در نقش «لژکدار مستقیم» باقی مانده است. این تضاد میان سن و شدت تأثیرگذاری، او را از یک بازیکن باتجربه به یک بدبده تبدیل کرده؛ بازیکنی که نه فقط گذشته، بلکه حال را هم تولید می‌کند.

اگر این مسابقه را فقط یک نتیجه بدانیم، چیزی از دست می‌دهیم. اما اگر آن را به‌عنوان یک «نقطه روایت» ببینیم، می‌شود گفت رامین رضاییان در این شب، نه فقط یک مدافع گلزن، بلکه معمار یک لحظه تاریخی بود؛ لحظه‌ای که در آن تجربه، آمار و لژکدازی، در یک نقطه به هم رسیدند.

جریان بازی در عمل به‌طور کامل در اختیار ایران قرار نگرفت. تیم ملی در بخش‌هایی از مسابقه توانست با حضور فعال رضاییان و نفوذهای پوسفی، جوان و پرانرژی، به هدف نفوذ و اضافه شدن به فاز هجومی به خوبی دست یابد؛ بازیکنی که در بازی‌های اخیر نیز نشان داده توان گذر و همراهی خوبی با خط حمله دارد. اما این فشار تیم ملی در عمق نبود. حرکات قدوس در پشت مهاجمان، هرچند در خلق لحظات خلاقانه مؤثر بود، اما در بسیاری از صحنه‌ها به دلیل نبود هماهنگی در زمان‌بندی دو مهاجم، به خروجی نهایی مطلوب نرسید.

در میانه میدان، ۲-۴-۲ ایران در فاز بدون توپ با مشکل فاصله‌گذاری در عرض مواجه بود. عزت‌اللهی بارها در برابر انتقال‌های سریع نیوزلند تنها ماند و همین موضوع باعث شد تیم در لحظات از دست دادن توپ، آسیب‌پذیر شود. حریف نیز دقیقاً از همین نقطه استفاده کرد؛ با حملات مستقیم و بهره‌گیری از فضاهای پشت فول‌بک‌ها، ساختار دفاعی ایران را تحت فشار قرار داد و از چگونگی‌ترین گسست‌ها بهره برد.

در واقع، مسئله اصلی ایران در این مسابقه نه کمبود موقعیت، بلکه ناتوانی در تبدیل مسابقه به کنترل پایدار بازی بود. تیم در مقاطع مختلف توپ را در اختیار داشت، اما در حفظ ریتم و جلوگیری از انتقال‌های سریع حریف دچار نوسان شد. این همان نقطه‌ای است که در سطح تورنمنت‌های بزرگ، تفاوت میان تیم‌های صرفاً هجومی و تیم‌های بالغ را مشخص می‌کند.

این مسابقه را می‌توان پیش از هر چیز یک آینه دانست؛ آینه‌ای که هم توان هجومی ایران را نشان داد و هم شکنندگی آن در لحظات کلیدی را آشکار کرد. تیمی که در فاز حمله ابزارهای متنوعی دارد، اما هنوز در مدیریت ثروت و کنترل بازی به بلوغ کامل نرسیده است. بنابراین در جامی خوش‌شانس‌تر، هزینه‌ها هزینه‌ای بزرگ دارند، همین جزئیات می‌توانند تا حد زیادی سرنوشت‌ساز باشند.

تا کجا می‌توان پیش رفت؟

هنوز اتفاقی رخ نداده که نگران تیم ملی باشیم

جلال چراغپور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

نیز اشاره کرد و گفت: «این مسابقه، ضعف‌های ایران را کاملاً قابل شناسایی کرد. امروز دیگر چیزی پنهان نمی‌ماند؛ با ابزارهای تحلیلی و حتی هوش مصنوعی، تمام نقاط ضعف تیم‌ها استخراج می‌شود. ما حتی با چشم غیرمسلح هم این مشکلات را دیدیم، چه برسد به دستگاه‌های پیشرفته تحلیل داده.»

او درباره عملکرد دروازه‌بان تیم ملی نیز اظهار نظر کرد و توضیح داد: «واکنش‌های علیرضا بیرانوند در این مسابقه در سطح مورد انتظار نبود. اگر دروازه‌بان‌های تیم‌های بزرگ مانند آلمان یا اسپانیا چنین عملکردی داشته باشند، نتیجه بسیاری از بازی‌ها تغییر می‌کند. امیدوارم او تمرکز بیشتری روی حفظ دروازه تیم‌مان داشته باشد.»

چراغپور به مسأله طراحی بازی در میانه میدان پرداخت و تأکید کرد که تیم ملی از تیمود یک هافبک طراح کلاسیک رنج می‌برد؛ «تیم ما در میانه میدان بازیکنی ندارد که نقش پلی‌میکر کلاسیک را به‌طور کامل ایفا کند. در چنین شرایطی باید ساختار سیستم تغییر کند یا بازیکنان و نقش‌ها به‌صورت توزیع‌شده تعریف شود تا هر بخش خودش مسئول خلق موقعیت باشد.»

او در ادامه می‌گوید: «اگر تیم با یک هافبک بازی‌ساز بازی کند، توپ‌پخش کن مرکزی شکل می‌گیرد، اما اگر را دو هافبک مرکزی بازی کنیم، هرکدام تنها یک سمت زمین را تغذیه می‌کنند و عملاً زمین به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود. در حال حاضر، تیم ملی ایران توانایی تغذیه کامل دو جناح را به‌صورت همزمان ندارد.»

این کارشناس همچنین به موضوع آمادگی بدنی بازیکنان و تعویض‌ها اشاره کرد و گفت: «تعویض مهدی طارمی در این بازی نشان داد که وضعیت بدنی او در سطح ایده‌آل نیست. وقتی بازیکنی مانند مغانلو می‌تواند به تغییر‌ریتم بازی کمک کند، البته تنها کافر فنی و تیم بدنسازی هستند که به داده‌های دقیق آمادگی جسمانی دسترسی دارند و می‌توانند درباره دوام بازیکنان تصمیم‌گیری کنند.»

چراغپور با اشاره به شرایط پیچیده گروه و ادامه رقابت‌ها گفت: «تساوی در بازی اول باعث شد شرایط کمی دشوارتر شود. در حالی که تیم‌هایی مانند مصر و بلژیک مسیر نسبتاً متعادل‌تری در صدر گروه دارند، ایران اکنون با دو بازی سخت مواجه است. برای رسیدن به مرحله حذفی، امتیاز ممکن در این دیدارها برسد و در عین حال تقاضل گل را نیز مدیریت کند. به تغییر‌سه‌در هنوز هم مرز میان صعود و حذف بسیار نزدیک است. اتفاقی رخ نداده که نگران باشیم، اما در پایان توضیح داد: «در فوتبال مدرن، تنها کیفیت داخل زمین تعیین‌کننده نیست؛ جنگ نیمکت‌ها، تحلیل داده‌ها و مدیریت تاکتیکی نیز نقش تعیین‌کننده دارند. تیم‌هایی که تجربه جام جهانی و لیگ‌های اروپایی را دارند، از نظر اطلاعاتی و برنامه‌ریزی چند قدم جلوتر هستند. ایران باید بتواند این فاصله را تا شروع بازی جلوگیری کند.»

یادداشت

نوید مظفری
کارشناس داوری

فوتبال در عصر ترس از خطا

گل، از نظر داوری صحیح و مطابق با تفسیر دقیق قانون اتخاذ شده و جای بحث جدی در صحت آن وجود نداشت.

در زمینه معمولاً به نام‌هایی ماندن پیراپویچی کولینا اشاره می‌شود که بدون بهره‌گیری از فناوری‌های امروزی نیز توانستند به عنوان یکی از برجسته‌ترین داوران تاریخ فوتبال شناخته شوند. در مقابل، مدافعان VAR معتقدند کاهش خطاهای فاحش و افزایش عدالت در نتیجه مسابقات ارزشمند تر از حفظ فضای سنتی و پر ریسک گذشته است.

بالین حال، فوتبال همچنان در مرز باریکی میان اعتدال مطلق و «ذات انسانی خطا» حرکت می‌کند. تاریخ این ورزش نشان داده است برخی از مانند گارنزیس لحظات آن، دقیقاً از دل همین خطاها و تصمیم‌های بحث‌برانگیز شکل گرفته‌اند؛ از گل مرموز تاریخی دیه‌گو مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ گرفته تا گل بحث‌برانگیز تیم ملی انگلستان در فینال ۱۹۶۶ مقابل آلمان. همین لحظات، از بحث قدیمی و همیشگی درباره نقش حافظه جمعی فوتبال را دائر.

گسترش استفاده از VAR و ابزارهای تکنولوژیک اگرچه به کاهش خطاهای آشکار کمک کرده، اما در نگاه برخی منتقدان، تا حدی از جسارت تصمیم‌گیری لحظه‌ای» و «اگزیستی» داوران کلاسیک» کاسته است. این همچنین بخشی از جذابیت‌های بحث‌برانگیز و روایت‌ساز فوتبال را نیز کمرنگ کرده است.

بازی آرام، سوت دقیق

یادداشت

یاسر همرنگ
کارشناس داوری

سرژ راموس، داور باتجربه مکزیکی، مطابق انتظار مسابقه میان ایران و نیوزیلند را همراه با دو کمک‌داور هم‌وطن خود به‌خوبی مدیریت کرد. قضاوت او در مجموع، از صحنه‌های جزئی آمد، اما پس از بررسی دقیق‌تر، تحلیل داشت که کوچک‌ترین لغزش‌ها هزینه‌ای بزرگ دارند، همین جزئیات می‌توانند تاثیر مستقیم بر نتیجه مسابقه داشته باشند.

او از دیدگاه عدالت مسابقه، تیم ایران نیز متحمل ضرر دیداری نشد.

در جریان بازی، هرچند در برخی صحنه‌های جزئی امکان سوت زدن خطا به سود ایران وجود داشت، اما هیچ‌یک از این موارد در حدی نبود که به‌عنوان «خطای تأثیرگذار» یا «حق ضایع‌شده» تلقی شود. در واقع، تیم داوری در چارچوب یک مدیریت یکدوخت، اجازه داد جریان بازی حفظ شود و از توقف‌های غیرضروری جلوگیری کرد. رویکردی که در مسابقات سطح بالا به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده دنبال می‌شود.

چراغپور به طراحی بازی در میانه میدان اشاره کرد و گفت: «این مسابقه نشان داد که وضعیت بازیکنان و تعویض‌ها تا چه اندازه می‌تواند در این مسابقه تعیین‌کننده باشد.»

او در ادامه به عملکرد دروازه‌بان تیم ملی نیز پرداخت و گفت: «واکنش‌های علیرضا بیرانوند در این مسابقه در سطح مورد انتظار نبود. اگر دروازه‌بان‌های تیم‌های بزرگ مانند آلمان یا اسپانیا چنین عملکردی داشته باشند، نتیجه بسیاری از بازی‌ها تغییر می‌کند. امیدوارم او تمرکز بیشتری روی حفظ دروازه تیم‌مان داشته باشد.»

چراغپور به مسأله طراحی بازی در میانه میدان پرداخت و تأکید کرد که تیم ملی از تیمود یک هافبک طراح کلاسیک رنج می‌برد؛ «تیم ما در میانه میدان بازیکنی ندارد که نقش پلی‌میکر کلاسیک را به‌طور کامل ایفا کند. در چنین شرایطی باید ساختار سیستم تغییر کند یا بازیکنان و نقش‌ها به‌صورت توزیع‌شده تعریف شوند تا هر بخش خودش مسئول خلق موقعیت باشد.»

او در ادامه می‌گوید: «اگر تیم با یک هافبک بازی‌ساز بازی کند، توپ‌پخش کن مرکزی شکل می‌گیرد، اما اگر را دو هافبک مرکزی بازی کنیم، هرکدام تنها یک سمت زمین را تغذیه می‌کنند و عملاً زمین به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود. در حال حاضر، تیم ملی ایران توانایی تغذیه کامل دو جناح را به‌صورت همزمان ندارد.»

این کارشناس همچنین به موضوع آمادگی بدنی بازیکنان و تعویض‌ها اشاره کرد و گفت: «تعویض مهدی طارمی در این بازی نشان داد که وضعیت بدنی او در سطح ایده‌آل نیست. وقتی بازیکنی مانند مغانلو می‌تواند به تغییر‌ریتم بازی کمک کند، البته تنها کادر فنی و تیم بدنسازی هستند که به داده‌های دقیق آمادگی جسمانی دسترسی دارند و می‌توانند درباره دوام بازیکنان تصمیم‌گیری کنند.»

چراغپور با اشاره به شرایط پیچیده گروه و ادامه رقابت‌ها گفت: «تساوی در بازی اول باعث شد شرایط کمی دشوارتر شود. در حالی که تیم‌هایی مانند مصر و بلژیک مسیر نسبتاً متعادل‌تری در صدر گروه دارند، ایران اکنون با دو بازی سخت مواجه است. برای رسیدن به مرحله حذفی، امتیاز ممکن در این دیدارها برسد و در عین حال تفاضل گل را نیز مدیریت کند. به تغییر‌سه‌در هنوز هم مرز میان صعود و حذف بسیار نزدیک است. اتفاقی رخ نداده که نگران باشیم، اما در پایان توضیح داد: «در فوتبال مدرن، تنها کیفیت داخل زمین تعیین‌کننده نیست؛ جنگ نیمکت‌ها، تحلیل داده‌ها و مدیریت تاکتیکی نیز نقش تعیین‌کننده دارند. تیم‌هایی که تجربه جام جهانی و لیگ‌های اروپایی را دارند، از نظر اطلاعاتی و برنامه‌ریزی چند قدم جلوتر هستند. ایران باید بتواند این فاصله را تا شروع بازی جلوگیری کند.»

مسیر صعود سخت شد

یادداشت

ایمان عالمی
بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال

تساوی تیم ملی فوتبال ایران در اولین بازی گروهی مقابل تیم ملی فوتبال نیوزیلند را می‌توان نتیجه‌ای دانست که بیش از آنکه صرفاً یک عدد روی تابلو باشد، حامل مجموعه‌ای از نشانه‌های مهم از شکل اصلی همبستگی در گروهی دشوار با حضور تیم‌هایی چون کیپ‌ورد و مصر است.

ایران، بازی را با شروعی شکننده آغاز کرد و در همان دقایق ابتدایی، به دلیل عدم هماهنگی میان خط‌وط دفاع و هافبک، غافلگیر شد. گل زودهنگام حریف بیش از هر چیز ناشی از کندی در پوشش فضای پشت مدافعان و ناهماهنگی در حرکت هجومی بود. از همان ابتدا مشخص بود که تیم ملی فوتبال نیوزیلند با استفاده از تورنمنت‌های بزرگ باید بر همین نقاط ضعف تمرکز کند و از همان ابتدا فشار را بر خط دفاع ایران بیشتر کند.

با این حال، عملکرد بخشی از بازیکنان در این مسابقه نشان داد که تجربه و توانایی‌های فردی می‌تواند تفاوت‌ساز باشد. حضور بازیکنانی با سابقه حضور در لیگ‌های قوی و جام‌های بزرگ، به تیم کمک کرد تا در لحظات حساس، بازی را از کنترل خارج نکند و با خونسردی بیشتری به مسیر خود ادامه دهد. این موضوع به‌ویژه در دقایق پایانی که فشار زمان بیشتر احساس می‌شد، اهمیت پیدا کرد.

با این حال، ضعف‌های ساختاری تیم در این بازی کاملاً آشکار بود. خط دفاع ایران در بسیاری از مواقع عقب‌نشینی کرد و فاصله بین خط‌وط به‌وضوح زیاد شد. این مسئله باعث شد تیم نیوزیلند فضاهای زیادی برای حرکت و ضربه پیدا کند. در چنین شرایطی، حتی بازیکنان باتجربه هم نمی‌توانند تأثیر مثبتی بگذارند و تیم به‌راحتی تحت فشار قرار می‌گیرد.

از نظر تاکتیکی، تیم ایران در این بازی بیشتر واکنشی عمل کرد تا فعال. به‌جز چند حرکت محدود در نیمه‌ی اول، تیم ما توانایی ساخت موقعیت‌های خطرناک را نداشت و بیشتر حملات به‌صورت تک‌نفره و بدون هماهنگی انجام می‌شد. این مسئله به‌ویژه در نیمه‌ی دوم که تیم نیاز به حمله‌ی منظم‌تر داشت، بیشتر خود را نشان داد. نبود ارتباط مؤثر میان خط‌وط و حرکت‌های بدون توپ، باعث شد حمله‌ها به‌راحتی خنثی شوند.

در مجموع، این بازی نشان داد که تیم ملی فوتبال ایران هنوز با فاصله‌ی زیادی از یک تیم آماده‌ی حضور در جام جهانی فاصله دارد. اگر بخواهیم به‌طور دقیق‌تر صحبت کنیم، تیم ما در حال حاضر از نظر فیزیکی، تاکتیکی و ذهنی به سطحی نرسیده که بتواند در مسابقات بزرگ با تیم‌های قدرتمند رقابت کند. این بازی نشان داد که تیم ملی فوتبال ایران برای رسیدن به سطح قابل قبول، نیاز به یک برنامه‌ی بلندمدت دارد. برنامه‌ای که در آن، تمرکز بر روی جزئیات، ارتقای کیفیت فردی و ساختار تیمی در اولویت قرار گیرد.

WELCOME THE FIFA WORLD CUP 26
پنجشنبه ۲۸ خرداد ساعت ۲:۳۰ بامداد
غنا
پاناما
نبرد سرعت و صبر
ایدوگاه بیوزها زنده است. اگرایران در دو دیدار آینده بتواند دست‌کم سه گل بزند، مجوز صعود به مرحله بعد را به دست خواهد آورد
این دیدار را می‌توان تقابل دو جغرافیای فوتبالی کاملاً متفاوت دانست؛ یکی در حال رشد با نظم مرکزی و دیگری تپی برآمده از فوتبال زیتمیک و فیزیکی آفریقایی.
ازبکستان
کلمبیا
یک بازی، دو جهان متفاوت
این دیدار را می‌توان تقابل دو سبک متفاوت از فوتبال آسیایی دانست؛ یکی تیمی که بر مالکیت توپ، ساختار منظم و انتقال‌های عمودی تکیه دارد و دیگری تیمی که بر پایه ساختار دفاعی منسجم و انتقال‌های سریع حرکت می‌کند. آمارها نشان می‌دهند که در بسیاری از دیدارهای اخیر، ازبکستان در برابر تیم‌های هم‌سطح خود، کنترل بیشتری بر بازی داشته است.
چک
آفریقای جنوبی
اروپا در برابر طوفان آفریقایی
این دیدار را می‌توان نقاب‌زنی غیرمعمول نامید. چک با سابقه‌ای طولانی در فوتبال اروپا، همواره تیمی با ساختار مشخص و کنترل‌شده بوده است. در مقابل، آفریقای جنوبی با ترکیبی از بازیکنان جوان و باتجربه در لیگ‌های اروپایی، یکی از خطرناک‌ترین تیم‌های گروه محسوب می‌شود.
سوئیس
بوسنی
دیوار آلپ در برابر موج بالکان
دوئل سوئیس – بوسنی را می‌توان تقابل دو مدرسه متفاوت از فوتبال اروپایی دانست؛ یکی منظم، حساب‌شده و کم‌ریسک و دیگری پرانرژی و مبتنی بر انتقال‌های پیش‌بینی‌نشده. سوئیس معمولاً با ساختار تاکتیکی کنترل‌شده و کم‌اشتباه وارد میدان می‌شود؛ تیمی که به‌ندرت فضا می‌دهد و کمتر دچار افت تمرکز می‌شود. بوسنی اما با شدت بالا و حملات سریع سعی دارد همین ساختار را به چالش بکشد.
مکزیک
کره جنوبی
فوتبال روی دور تند
جدال مکزیک و کره جنوبی را می‌توان یکی از متعادل‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جدال‌های مرحله گروهی دانست؛ جایی که دو تیم با دو هویت تاکتیکی متفاوت اما کارآمد، برای کنترل ریتم بازی به میدان می‌آیند. مکزیک تیمی است که بر پایه بلوک دفاعی فشرده، هوشمندانه از نیم‌فاصله‌ها شکل گرفته است. اقتا معمولاً با چیدمانی ۲-۴-۳ در خط حمله، ساختار دفاعی حریف را از تعادل خارج می‌کنند و از کناره‌ها به عمق ضربه می‌زنند. هدف قوتشان در توانایی حفظ فشار و بازی در نیمه حریف است، اما در برابر تیم‌های سریع در عمق‌اند که آسیب‌پذیری می‌شوند. در سوی دیگر، کره جنوبی تیمی است که فوتبالش بر سرعت، تفکر تاکتیکی و انتقال‌های بروگاست استوار است. وینگ‌های سریع و حمله‌های جفتکنده این تیم می‌توانند در لحظه‌ای به دروازه‌ها خطرناک شوند.
جمعه ۲۹ خرداد ساعت ۱:۳۰ بامداد
کانادا
قطر
جنگ کنترل و انفجار در نیمه‌شب
این دیدار را می‌توان تقابل دو سبک متفاوت از فوتبال دانست؛ یکی تیمی که بر پایه فیزیک، سرعت و فوتبال مستقیم در حال بلوغ است و دیگری تیمی که با مهندسی تاکتیکی و نظم ساختاری شناخته می‌شود. کانادا همواره با پرس شدید در نیمه حریف و انتقال‌های عمودی سریع بازی می‌کند. قول‌های پرتحرک و ویینگ‌های سرعتی این تیم، نقطه اتکای اصلی در شکستن خطوط دفاعی هستند. با این حال، در برابر تیم‌هایی که می‌توانند ریتم بازی را کنترل کنند، گاهی در حفظ تعادل دفاعی دچار نوسان می‌شود و فضاهای بین خطوطش نیاز می‌یابد.
در سوی مقابل، قطر تیمی است که تلاش می‌کند با مالکیت هدفمند و پاس‌گذاری‌های کوتاه، جریان بازی را در اختیار گیرد. آنها معمولاً با چیدمانی حساب‌شده در میانه میدان، حریف را از مرکز خارج کرده و سپس با پاس‌های عمقی به فاز نهایی می‌رسند. نقطه قوتشان آرام‌سازی بازی در لحظات فشار است. کلید این مسابقه در نبرد سرعت کناردایی و «کنترل قطری» خواهد بود. اگر کانادا بتواند بازی را به آشوب و انتقال‌های سریع بکشاند، در بسیاری از لحظات؛ اما اگر قطر موفق شود ریتم را مدیریت کند و مالکیت را طولانی نگه دارد، حریف مسابقه به سود آنها تغییر خواهد کرد. این بازی بیش از هر چیز، جنگ ریتم و تصمیم‌گیری در لحظه است.